

The appearance of women in social interactions; Types and requirements based on the statements of Imam Khomeini (RA) and Ayatollah Khamenei

Sedigheh Mahdavi Kani

Associate Professor and member of the Faculty of Islamic Jurisprudence and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. s.mahdavi@isu.ac.ir

Seyyedehvahideh Moosavi

Corresponding author, Master of International Law, Mofid University of Qom, Iran .
s.v.m.33hzh@gmail.com

Abstract

The topic of "social presence of women" has been exposed to various interpretations for a long time. In spite of petrifying views on one side and feminist views on the other, Imam Khomeini (RA) and Ayatollah Khamenei as the leaders of the Islamic Revolution have confirmed the social presence of women and consider it a duty. Also, since Islamic teachings are the only valid source for delineating human rights and duties due to their connection to the revelation, he, with a deep knowledge of these teachings, far from extremes and fully aware of the requirements of the time, emphasizing this role-playing presence, They have requirements for it. These requirements can be divided into two general categories: 1) the priority and priority of the role of women in the family (which is also affected in cases such as the essential need for a woman's special expertise); 2) respecting gender privacy. This article has tried to answer the question, "What are the effects of women's socialization on their social presence?" And considering that in the discourse of the Islamic Revolution, observance of modesty is the fundamental principle in any movement to defend women's rights, seeking to confirm and prove the social presence of women in Islam and examining the second set of requirements, relying on the issue of Tabarj and with Citing Islamic teachings, he has explained the prohibition of veiling and its types and explained the thoughts of the imams of the Islamic Revolution regarding the social presence of women without veiling.

Keywords: Social presence of women; chastity; tavraj; holy Quran; imams of Islamic revolution

تبرج زنان در تعاملات اجتماعی؛ گونه‌ها و بایسته‌ها با تکیه بر بیانات امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

صدیقه مهدوی کنی

دانشیار و عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق، تهران، ایران.
s.mahdavi@isu.ac.ir

سیده وحیده موسوی

نویسنده مسئول، کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه مفید قم، ایران.
s.v.m.33hzh@gmail.com

چکیده

موضوع «حضور اجتماعی زنان» از دیرباز در معرض تفسیر گوناگونی قرار داشته است. با وجود دیدگاه‌های متحجرانه از یک سو و دیدگاه‌های فمینیستی از سوی دیگر، امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبران انقلاب اسلامی، حضور اجتماعی زنان را تأیید کرده، آن را یک تکلیف می‌دانند. همچنین از آنجا که آموزه‌های اسلامی به دلیل اتصال به وحی، تنها منبع صالح برای ترسیم حقوق و وظایف انسان هستند، ایشان با شناخت عمیق از این آموزه‌ها، به دور از افراط و تفریط و با آگاهی کامل از مقتضیات زمان، با تأکید بر این حضور نقش‌آفرین، الزاماتی برای آن قائل هستند. این الزامات در دو دسته کلی قابل تقسیم است: (۱) اولویت و تقدم نقش زن در خانواده (که در مواردی مثل نیاز ضروری به تخصص خاص یک بانو، این اولویت هم تحت تأثیر قرار می‌گیرد)؛ (۲) مراعات حریم جنسیتی. این مقاله در صدد پاسخ به این پرسش بوده است که «آثار تبرج زنان بر حضور اجتماعی آنان چیست؟» و با توجه به اینکه در گفتمان انقلاب اسلامی، رعایت عفت، در هر حرکتی برای دفاع از حقوق زنان، اصلی بنیادین است، به دنبال تأیید و اثبات حضور اجتماعی زنان در اسلام و بررسی دوام الزامات، با تکیه بر مسئله تبرج بوده و با استناد به آموزه‌های اسلامی، ممنوعیت تبرج و انواع آن را تبیین و اندیشه‌های امامین انقلاب اسلامی را در باب حضور اجتماعی زنان با عدم تبرج تشریح کرده است.

واژگان کلیدی: حضور اجتماعی زن، عفت، تبرج، قرآن کریم، امامین انقلاب اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، سال ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، صص ۴۱-۶۵

دسترسی به مقالات نشریه علمی رهنمون انقلاب اسلامی (Open Access) است.

Creative Commons Attribution 4.0 International CC BY 4.0

نشریه علمی «رهنمون انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی

Doi: [10.22034/rir.2024.423972.1014](https://doi.org/10.22034/rir.2024.423972.1014)

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه رهنمون انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

دین اسلام، احکام و حقوق را بر اساس فطرت انسان تشریح کرده است (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵۱). از آنجا که فطرت انسانی بین همگان مشترک است، زن و مرد، در هدف غایی خلقت مشترک‌اند؛ با این حال، مشترک بودن زن و مرد در هدف غایی خلقت باعث نمی‌شود که وظایف آن دو نیز، کاملاً مشابه باشد. زن و مرد هر دو موظف‌اند که به کمال غایی خویش نزدیک شوند؛ ولی چه‌بسا عملی که زن را به کمال می‌رساند، دقیقاً همان عملی نباشد که مرد را به کمال می‌رساند (زیبایی‌نژاد، سبحانی، ۱۳۸۱: ۶۱-۶۲).

به عبارت دیگر، خداوند در آفرینش زن، دو خصلت قرار داده است که با آن‌ها از مرد تمایز پیدا می‌کند: (۱) زن به‌منزله کشتزاری، برای پیدایش نوع بشر قرار داده شده است و به همین دلیل احکام مخصوص به خود دارد؛ (۲) خداوند خلقت زن را ظریف قرار داده است. همین دو خصلت یکی در جسم و دیگری در روح، در وظایف اجتماعی واگذار شده به او تأثیر دارند (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۸)؛ از جمله، زن از آن جهت که ریحانه است، کارهای دشوار از دوش او برداشته شده است. البته این در حد رخصت است نه عزیمت^۱؛ یعنی الزام و عزیمت از زن سلب شده است؛ نه اینکه او حق انجام کار را نداشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۸۲-۳۸۳).

به‌طور کلی، برخلاف دو قرائت موجود درباره حضور اجتماعی زنان که یکی با دیدی متحجرانه و افراطی و با استفاده از برخی روایات ضعیف السنه، منکر هر نوع

۱. عزیمت، یعنی اگر نهی بر چیزی وارد شد، کسی حق انجام آن را ندارد، اما در رخصت، وجوب برداشته شده، بدون اینکه تحریم شده باشد؛ مثلاً اگر گفته می‌شود نماز جمعه بر زن واجب نیست، یعنی واجب نیست که حتماً حضور پیدا کند، اما نه اینکه اگر حضور پیدا کرد مقبول نیست؛ زیرا یکی از احکام نماز جمعه این است که در صورت تعین وجوب آن، بر مکلفین واجب است که تا شعاع دو فرسخی، در نماز جمعه حاضر شوند که این الزام، برای زن دشوار خواهد بود. از این جهت، الزام و عزیمت از زن سلب شده است؛ نه بدین معنا که زن حق شرکت ندارد. بدین ترتیب محرومیت زن از بعضی مزایای مذهبی مانند شرکت در نماز جمعه، نماز جماعت، تشییع جنازه و... در حد رخصت است نه عزیمت.

حضور اجتماعی زن است و دیگری که با دیدی فمینیستی و تفریطی، آزادی بی‌قید و شرط زنان در همه عرصه‌های اجتماعی را خواهان است، اسلام راستین راه میانه و متعادل را ارائه می‌دهد.

در این مقاله برای شناخت نظر اسلام درباره حضور اجتماعی زن، ابعاد و الزامات آن، بیشتر از آرای حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده است؛ چراکه ایشان با نگاه عمیق به مبانی دینی و مبتنی بر زمان‌شناسی و تدبیر لازم و آشنایی با مشکلات و نیازهای جامعه، خطوط اصلی و کلان نظام اسلامی را در باب جایگاه زن مسلمان ترسیم می‌نمایند و مجموع بیاناتشان، خط سیر انقلابی مردم مسلمان ایران را از آغاز تا امروز، ترسیم می‌کنند و جهت حرکت آینده ملت ما را نشان می‌دهند (مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۶: ۷۰) و حجم گسترده سخنانشان در این موضوع، بیانگر اهتمام ایشان به مسائل زنان، به خصوص نقش‌آفرینی اجتماعی آنان است.

با تتبع در مواضع ایشان درمی‌یابیم که علاوه بر تأیید حضور زنان در شئون مختلف اجتماعی و تأکید بر ضرورت و تکلیف بودن این حضور، الزاماتی نیز برای آن قائل‌اند. به‌طور کلی، دو دسته الزامات حضور اجتماعی زنان عبارت‌اند از: اولویت و تقدم نقش همسری و مادری در خانواده (که در شرایط خاصی قابل عدول است) و مراعات حریم جنسیتی (که در بیان آیت‌الله خامنه‌ای با عبارات گوناگونی نظیر مسئله محرم و نامحرم، حفظ نگاه، حجاب، عدم تبرج، عدم خضوع و خشوع در مقابل نامحرم و ... منعکس شده است). این الزامات، به این معنا است که شرط حضور زن در اجتماع، لحاظ و رعایت این دو دسته ضوابط است. این نوشتار ضمن تبیین تأیید حضور اجتماعی زنان که بنا به فرموده امام خمینی (ره)، کارشکنی در باب فعالیت اجتماعی زنان، از معاصی کبیره است^۴ (صحیفه امام، ج ۱۷، ۳۶۱) و از آنجا که به فرموده آیت‌الله خامنه‌ای هر حرکتی برای دفاع از زنان، رکن اصلی آن باید رعایت

۴. «... لکن آنهایی که کارشکنی می‌کنند، اگر مسلمان هستند این خدمت بزرگی که این خانم‌ها و این بانوان دارند می‌کنند و پیش خدا خدمت شایسته است، از معاصی کبیره است که در این موضوع کارشکنی بکنند...» (سخنرانی امام خمینی در جمع بانوان مؤسسه ۱۲ فروردین قم و تهران، ۱۳۶۱/۱۲/۲۲).

عفاف باشد، درصدد است با رویکردی تبیینی، با روش کتابخانه‌ای به گردآوری داده‌ها و با شیوه‌توصیفی-تحلیلی، بیشتر به دسته دوم الزامات با تکیه بر عفت و عدم تبرج بپردازد. طبق این دسته الزامات، شرط فعالیت و حضور اجتماعی برای زن این است که با کرامت و ارزش معنوی و انسانی او منافات نداشته باشد و او را تذلیل یا وادار به خضوع و خشوع نکند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۹/۲۵) و با ویژگی‌های ذاتی زن که مرکب از گنجینه‌ای از لطف، آرامش و رحمت است متعارض نباشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۷/۱۴)؛ یعنی وجود یک فاصله ارتباطی و آمیزشی اجتماعی بین زن و مرد، عدم اختلاط بی‌قیدوشرط زن و مرد و التزام به حجاب به معنای کامل و واقعی کلمه (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶)، از الزامات این دسته است.

روش تحقیق و بیان مسئله

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کیفی-اسنادی است که با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای و با رویکرد تبیینی، به شیوه‌توصیفی-تحلیلی بر مبنای دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای و با بهره‌گیری از آثار مکتوب و بیانات ایشان نگارش یافته است.

دلیل انتخاب این روش تحقیق این است که پژوهشگر علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن، چرایی وضعیت مسئله، ابعاد آن و تحلیل محتوای موضوع می‌پردازد و با جست‌وجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق، جزئیات مربوط به مسئله پژوهش خود را با گزاره‌های کلی مربوط به آن ارتباط می‌دهد.

بر مبنای دیدگاه امامین انقلاب اسلامی، در این نوشتار ضمن تأیید حضور اجتماعی زن، به دلیل ممنوعیت تبرج طبق صراحت آیات متعدد قرآن کریم و آثار سوء عدم التزام به حضور اجتماعی توأم با عدم تبرج، می‌توان نتیجه گرفت که حضور اجتماعی زنان باید با رعایت کامل عفت باشد؛ تا آنجا که موضوع حیا و عفاف، از عناصر اقتدار ملی خوانده می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۹/۱۱). در ادامه، مسئله حضور اجتماعی زنان، طبق آموزه‌های اسلامی بررسی و ابعاد و الزامات آن تبیین می‌شود و سپس مسئله عدم تبرج، به‌عنوان شاخصه‌ای از مراعات حریم جنسیتی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

با بررسی‌های انجام‌شده، علاوه بر کتاب‌های تفسیری متقدم و متأخر که به‌صورت پراکنده، ذیل آیات مربوطه، به موضوع تبرج پرداخته‌اند، در این حوزه مقالات معدودی در پژوهش‌های معاصر وجود دارد که از آن جمله می‌توان به دو مقاله «روحی برندق و خوانین‌زاده و سعیدی» (۱۳۹۳) با عنوان‌های «مفهوم و گستره تبرج زنان در تفسیر قرآن» و «ممنوعیت تبرج زنان از منظر قرآن کریم» اشاره کرد. در مسئله حضور اجتماعی زنان در آرای امامین انقلاب اسلامی اما فقط به مواضع امام خمینی (ره) در کنگره بین‌المللی «جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی» در مهر ۱۳۷۸ پرداخته شده است. بر این اساس، نوآوری پژوهش حاضر، تبیین تأیید حضور اجتماعی زنان در اسلام و آرای امامین انقلاب به‌ویژه آیت‌الله خامنه‌ای، استخراج الزامات این حضور، پیوند دادن مسئله تبرج به دسته‌های دوم الزامات و بیان مبانی قرآنی و روایی ممنوعیت تبرج است.

تعاریف برخی اصطلاحات مربوط به این پژوهش:

- تبرج: «تبرج» عبارت است از تکشف و خودنمایی زنان در انظار مردان نامحرم، به‌گونه‌ای که توجه آن‌ها نسبت به آن زن جلب شود و عناصر آن عبارت است از: (۱) قصد جلوه‌گری؛ (۲) تکشف زن؛ (۳) جلب‌توجه مردان نامحرم.
- حضور اجتماعی زنان: در نوشتار حاضر، «حضور اجتماعی زنان» بر مبنای دیدگاه‌های امامین انقلاب اسلامی، نه‌تنها همانند مردان برای آنان نوعی حق است، بلکه تکلیف، وظیفه ملی و شرعی‌شان محسوب می‌شود و عبارت است از هرگونه مشارکت و فعالیت اجتماعی زنان، منوط و مقید به رعایت الزامات مهمی همچون حریم جنسیتی و محوریت و تقدم خانواده بر فعالیت اجتماعی.

حضور اجتماعی زنان؛ ابعاد و الزامات

«در اسلام، زن در تمامی احکام عبادی و حقوق اجتماعی شریک مرد است، مگر در مواردی که طبیعت زن اقتضا دارد که با مرد متفاوت باشد. عمده آن موارد،

عاهده‌داری حکومت، قضاوت، جهاد و حمله به دشمن است» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰) بی‌شک، تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد موجب می‌شود که در احراز سمت‌ها نیز تفاوت داشته باشند؛ ولی هیچ‌یک از این‌ها دلیل بر تفاوت شخصیت انسانی آن‌ها نیست (وحیدی، ۱۳۸۹: ۲۱).

درواقع، حضور زن در مسائل اجتماعی و سیاسی همانند مرد است. «اگر آیه ۶۲ سوره نور که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ» حضور همه مردان باایمان را در صحنه لازم دانسته است، اطلاق و سیاق این آیه و تنقیح مناط آن، زن و مرد را یکجا شامل می‌شود. چنانچه سخنی از رهبران آسمانی برسد، نه صدور آن مخصوص مرد است و نه پذیرش آن و نه در صدر اسلام این‌چنین بوده که فقط مردها در این‌گونه مسائل پیشگام باشند؛ چون پیام دین همین است که حضور در صحنه سیاسی و اجتماعی، وظیفه مشترک زن و مرد خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۰۳-۳۰۴). علاوه بر این، در اسلام بیعت، مالکیت و حضور زن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی تثبیت شده است. مطابق آیه «ذُ/ جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ» به دستور پیامبر اکرم (ص)، زن‌ها هم در کنار مردان، در قبول حکومت و نظم سیاسی- اجتماعی شرکت کردند (خامنه‌ای، بیانات، ۷۹/۶/۳۰ و ۷۹/۸/۲۸).

«همچنین در بخش مسائل اجتماعی، قرآن در آیه ۱۹ سوره نساء می‌فرماید: با زن‌ها معاشرت نیک داشته باشید و زن را چون مرد در مجامع خود راه دهید و اگر خوشایندتان نیست که آن‌ها در مجامع شما شرکت کنند، این کار ناخوشایند را تحمل کنید؛ چراکه ممکن است خیر فراوانی در این معاشرت باشد و شما ندانید. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»، اختصاصی به مسائل خانوادگی ندارد. حیات اجتماعی زن است که می‌تواند در مسئله فرهنگ و تربیت و جهاد سهم مؤثری را ایفا کند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۳۹۴-۳۹۵)

اسلام نه‌تنها زنان را از صحنه اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد (صحیفه امام، ج ۱: ۱۵۳) و زن را مثل مرد، در همه شئون دخالت می‌دهد؛ اما همان‌طور که مرد باید از فساد اجتناب کند، زن هم باید از فساد اجتناب کند (صحیفه امام، ج ۶: ۳۰۰). به این ترتیب، نه‌تنها مسائلی

که منافات با حیثیت و شرافت زن ندارد آزاد است (صحیفه امام، ج ۴: ۳۶۴)، بلکه کارشکنی به هر بهانه‌ای با فعالیت اجتماعی زنان، از معاصی کبیره است (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۶۱).

بنابراین، اگرچه در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن و در تمامی جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، اما هم در مرد و هم در زن، مواردی که مفسده می‌آفریند حرام است؛ یعنی در نظام اسلامی، زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند با مردان، در بنای جامعه اسلامی مشارکت داشته باشد، ولی نه به‌صورت یک شیء؛ نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که نسبت به او چنین نگاهی داشته باشند (صحیفه امام، ج ۴: ۴۱۴).

ضمن اینکه ضروریات ایجاب می‌کند که «امروز خانم‌ها به وظایف اجتماعی و دینی خودشان عمل کنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۹۲-۱۹۳). به‌طور حتم، آینده نظام اسلامی نیز، به حضور زنان در مجموعه حضور ملی نیاز مبرم دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۹۰/۱۰/۱۴).

درواقع این نکته از سخنان امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای برداشت می‌شود که فعالیت اجتماعی زنان منوط و مقید است به حفظ عفت عمومی و یکسری ضوابط و مقرراتی که حضور زنان در جامعه، صرفاً در ارتباط با انجام وظیفه آن‌ها باشد و مانع رشد و تعالی جامعه و رشد و تعالی فردی نباشد (سفیری، موسوی، شجاعی، ۱۳۷۳: ۳۸-۳۹). درعین حال، اسلام چون از آفرینش و ویژه زن آگاه است و او را یک رکن مهم اجتماع می‌داند که در برابر صلاح و فساد جامعه نیز مسئولیت دارد، از او می‌خواهد که در عمل به این مسئولیت بزرگ فداکاری نماید و با حفظ شئون اسلامی، از مفاسد و انحراف‌های اجتماعی جلوگیری کند و برای ثبات، آرامش و سعادت جامعه خویش بکوشد (امینی، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

در مجموع باید گفت، وجود برخی روایات که زن را از اموری مثل حکومت و قضاوت و ... پرهیز می‌دهد، دستاویزی برای برخی مقدسان قشری شده بود، برای نفی هرگونه دخالت زن در امر اجتماعی که امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای با

دعوت زنان به دخالت در مقدرات اساسی و امور مهم اجتماعی، شبهه دور ماندن نیمی از جمعیت بشری از فعالیت‌های اجتماعی را، به بهانه دین‌داری برطرف کرده‌اند (اردبیلی، ۱۳۷۹: ۴۳). شیوه ایشان در بازیابی و استحصال بهینه زن مسلمان، بازگرداندن شخصیت، هویت و نقش واقعی زنان به آنان است. در پاسخ به همین دعوت‌ها بود که شاهد حضور روزافزون زنان، از آغاز نهضت انقلاب اسلامی تا به امروز بوده‌ایم. انقلاب اسلامی با تکیه بر این پشتوانه غنی نظری، با هویت‌بخشی به زنان، آن‌ها را بیش‌ازپیش وارد عرصه حیات اجتماعی نمود. حضور زنان در راهپیمایی‌های دوران نهضت و پس از انقلاب، نقش مؤثر آنان در سرنگونی رژیم پهلوی، دوران دفاع مقدس و پشتیبانی مؤثرشان از جبهه‌های نبرد و اکنون، حضور بی‌بدیلشان در عرصه‌های علمی، فرهنگی و اقتصادی، همه و همه، جلوه‌هایی از تأثیر انقلاب اسلامی در ارتقای نقش اجتماعی آنان است. این حضور شئون و ابعاد مختلفی دارد که در ادامه بررسی می‌شود.

ابعاد حضور اجتماعی زنان در نظام اسلامی

به‌طور کلی طبق نظر امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، می‌توان نقش و حضور زنان را در شئون و ابعاد زیر دسته‌بندی کرد:

دخالت در مقدرات اساسی مملکت، سیاست و حکومت

زنان نقش اساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی، مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد. با این بیان، مشخص می‌شود که دخالت در مقدرات اساسی مملکت و به‌تبع آن در اداره حکومت، نماد با ارزش دخالت در ساختار حکومت است که امام خمینی (ره)، اهتمام به تشکیل حکومت و اصول و حفظ آن را بالاترین مصلحت می‌دانند. به فرموده ایشان، خانم‌ها نه تنها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، بلکه تکلیفشان این است (صحیفه امام، ج ۹: ۱۳۶)

دخالت در تداوم نظام و مشارکت اجتماعی

درواقع تداوم انقلاب وابسته به زن‌ها است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۱/۱۱/۳۰) و در خدمت به جامعه، کمک بانوان، ارزشش چند برابر کمک‌های مردان است (صحیفه امام، ج ۷: ۵۰۵-۵۰۴). زنان مظهر تحقق آمال بشریت‌اند (صحیفه امام، ج ۷: ۳۴۱). اگر چه در «تحریر الوسیله» امام خمینی (ره) آمده است که زنان برای خروج از منزل باید اجازه شوهر خود را داشته باشند (خمینی، ۱۳۶۷، ج ۴: ۶۰۱)، در مواردی مثل واجبات شرعی یا در موارد اضطراری و هنگامی که ضرورت اسلام اقتضا کند، ایشان خروج زنان از منزل برای شرکت در انتخابات را منوط به اجازه همسر نمی‌دانند. در توضیح باید گفت که این، از باب ترجیح اهم بر مهم است؛ یعنی قاعده فقهی، مهم و ضرورت جامعه، اهم است (بروجردی، ۱۳۷۷: ۲۹) و ایشان نیاز زمان را مقدم دانسته‌اند.

در این راستا، در ۱۳۴۱/۷/۲۸ امام خمینی (ره) در تلگرافی به اسدالله علم نخست‌وزیر وقت، ورود زن‌ها به مجلسین و انجمن‌های ولایتی و ایالتی و شهرداری‌ها را مخالف قوانین محکم اسلام دانستند و حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری‌ها را، از زن‌ها سلب نمودند. بدیهی است نظر ایشان در خصوص حرمت این نوع حضور، با توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان رژیم شاه و مفاسد حاکم بر آن مطرح شده است. مواضع مکرر امام خمینی (ره) مؤید این است که ایشان با اصل حضور اجتماعی سیاسی زنان نه‌تنها مخالف نبودند، بلکه آن را واجب هم می‌دانستند. درواقع امام خمینی (ره)، قرار گرفتن در شرایطی را که حضور اجتماعی زنان با سوءاستفاده‌های سیاسی و خدشه به کرامت انسانی آن‌ها توأم بود، به مصلحت نمی‌دانستند (ابتکار، ۱۳۷۹: ۲۴).

زنان، شاخص انحطاط یا سعادت جامعه

اگر زنان انسان‌ساز، از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها منحط خواهند شد (صحیفه امام، ج ۶: ۳۰۰)؛ چراکه وظیفه تربیت و هدایت جامعه، چه در ساختن فرهنگ و چه در تغییر الگوهای اجتماعی، به عهده زنان است (بروجردی، اشرف، ۱۳۷۹: ۷۸) و نقش زن در تربیت و ساختن ارزش‌ها، به‌عنوان مربی جامعه است (صحیفه امام، ج ۷: ۳۳۹).

نقش زنان در عالم، از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۹۲)؛ به عبارت دیگر، اگر زن در جامعه و در محیط زنانه اصلاح شود، جامعه به‌طور کلی اصلاح خواهد شد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۷/۱۲)، اما اگر زن فاسد شد، مرد نمی‌تواند فاسد نشود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۱۲/۲۱).

الزامات حضور اجتماعی زن

محوریت و تقدم خانواده (نقش همسری و مادری)

زنان در اسلام با حفظ بنیان خانواده، می‌توانند به همه عناوینی که مردان دست می‌یابند، جز در موارد استثنایی محدود مثل قضاوت دست یابند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۶/۱۱/۱۷). وظیفه اختصاصی زن عبارت است از مادری که تعبیر دیگری است از همسر بودن و کدبانو بودن (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۷/۱۰/۲۲) تا جایی که حضرت امام خمینی (ره)، تربیت انسان‌های شایسته را در امتداد هدف انبیا و همسنگ با قرآن کریم دانسته‌اند (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۸۹) و نقش مادر را، در مقایسه با دیگران تعالی بخشیده‌اند و تأثیر آن را بیشتر از نقش پدر و معلم می‌دانند (خسروپناه، ۱۳۹۵: ۳۹۸).

این مقاله، درصدد بررسی این دسته از الزامات حضور اجتماعی نیست، اما اجمالاً باید گفت که با وجود مسئولیت‌های خانوادگی، مسئولیت اجتماعی از دوش زنان برداشته نمی‌شود و زنان باید با حفظ مسئولیت خانوادگی، هر قدر که توانایی دارند، آن توانایی را به مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی هم ضرب کنند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۱۲/۴). پس اینجا تقدم وجود دارد؛ یعنی فعالیت اجتماعی و سیاسی، نباید رقیب و مزاحم همسر بودن و نقش مادری باشد. البته در مواردی که در نوعی از مسئولیت اجتماعی، به وجود خانمی نیاز شدید بوده و حالت اجبار باشد تا او، بخشی از وقتی را که صرف خانواده می‌کند، در آن کار حساس صرف کند، شاید چنین حضوری، واجب عینی یا کفایی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۱۲/۲۱).

اگرچه فعالیت اجتماعی، لزوماً به معنای داشتن شغل نیست، اما شرط اشتغال نیز این است که کار خانه و خانواده، همسری و مادری را تحت الشعاع قرار ندهد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

مراعات حریم جنسیتی

تفاوت سیمای جامعه اسلامی با جامعه سکولار، در رعایت این دسته الزامات و التزام به این ضوابط اخلاقی و شرعی، جزء ضروریات دین و از دغدغه‌های نظام اسلامی است. این امر نه تنها یک دستور اجتماعی برای حفظ عفت جامعه، بلکه یک دستور انقلابی برای حفظ هویت و شخصیت بانوان از جهات گوناگون است (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۷: ۸۱). می‌توان گفت که از معیارهای زن انقلابی، داشتن عفت و عدم تبرج است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۵۹/۴/۱۳).

درواقع عظمت زن، در حفظ حیا و عفت زنانه است که خدا در جبلت او ودیعه نهاده و آمیختن آن با عزت مؤمنانه و احساس تکلیف وظیفه است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۲/۱). حالت عفت، به زن شخصیت انسانی و میدان کار، مبارزه و مطالعه می‌دهد و او را از وسیله التذاذ صرف خارج می‌کند؛ این خط اسلام و خط ایمان است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۲/۱۲).

اگرچه معاشرت زن و مرد، در اسلام ممنوع نیست، اما محدود به حدودی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۱۰/۱۵). این‌طور نیست که در نظام اسلامی، در محیط‌های گوناگون، زن و مرد هیچ تلاقی‌ای با یکدیگر نداشته باشند؛ بلکه باید از اختلاط بی‌بندوبار پرهیز شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۹/۱۶). اگر این الزامات اسلام رعایت شود، همه کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی انجام بدهند، زنان هم در صورت داشتن قدرت جسمی، شوق و فرصت، می‌توانند آن‌ها را انجام دهند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

بنابراین، ورود در میدان سیاست و فعالیت‌های اجتماعی، باید با حفظ متانت، وقار، حجاب اسلامی باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶) و هر حرکت برای دفاع از زن باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۷/۳۰)؛ چراکه عفت، مهم‌ترین عنصر شخصیت زن و وسیله‌ای است برای تعالی و تکریم او در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوت‌ران و بی‌بندوبار. عفت زن مایه

احترام و شخصیت اوست. همه این محدودیت‌ها و ضوابط به خاطر این است که مسئله عفاف، سالم نگه‌داشته بشود. اسلام به مسئله عفاف زن اهمیت فراوان می‌دهد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۷/۳۰).

حریم جنسیتی در عین حال که از فروع دین است، اما یکی از اصول تفکر اسلامی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۹/۴). اگر چه مراعات این حریم، دسته‌ای از ضوابط را به دنبال دارد، اما حضور توأم با عفت در جامعه و مسئله عدم تبرج در مقابل نامحرم، از مهم‌ترین این الزامات است. طبق آیات صریح قرآن کریم و روایات متعدد ائمه معصومین (سلام‌الله علیهم)، تبرج، مذموم شمرده می‌شود و همه مظاهر آن ممنوع است. در ادامه این موضوع بیشتر تبیین می‌شود.

عدم تبرج؛ شاخصه‌ای از مراعات حریم جنسیتی و انواع آن

تبرج زنان عبارت است از تکشف و آشکار شدن زن به قصد جلوه‌گری، در انظار مردان نامحرم، به گونه‌ای که توجه آن‌ها نسبت به آن زن جلب شده و در دل نسبت به او طمع نمایند (روحی برندق، خوانین‌زاده، سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۴)؛ به عبارت دیگر تبرج یعنی همان خودنمایی زنان در مقابل مردان، برای جذب و فتنه‌انگیزی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۲/۷) و عناصر آن عبارت است از: (۱) قصد جلوه‌گری؛ (۲) تکشف زن؛ (۳) جلب توجه مردان نامحرم (روحی برندق، خوانین‌زاده، سعیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۴). از تبرج در قرآن^۶ به‌عنوان مشخصه‌های فرهنگ جاهلیت یاد شده است (شعبان‌پور، بشارتی، ۱۳۹۴: ۱۷).

یکی از نکات مهم در اسلام، لزوم پوشیدگی بدن با لباس است تا افزون بر آراستگی و زیبایی ظاهری، اعضای که عریانی آن برای نامحرم حرام است، پوشانده شود؛ اما گاه برخی (عمدتاً زنان)، آن‌گونه که باید خویش را در مقابل نامحرم نمی‌پوشانند یا در این زمینه سهل‌انگاری می‌کنند یا اینکه با لباس‌های نامناسب موجبات جلب توجه و انحراف جنس مخالف را فراهم می‌کنند، این عمل در اصطلاح «تبرج» نامیده می‌شود.

^۶- آیه ۳۳ سوره احزاب: ... وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ

اصل تبرج و خودآرایی برای زنان نه تنها ناپسند نیست، بلکه لازم است (کریمیان صیقلانی، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۶۲). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «بهترین زنان شما زنی است که مطیع شوهر باشد، برای او آرایش کند، ولی زینتش را برای بیگانگان ظاهر نسازد و بدترین زنان شما زنی است که در غیاب شوهر زینت کند» (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۲: ۴۷۶).

زن طبعاً به زینت و زیور، جمال، آرایش و مدهای مختلف علاقه زیادی دارد (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۶). حتی در اجتماع نیز، رسیدگی به سرووضع لباس، بدون خودنمایی و تبرج مذموم نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۲/۷). یکی از جنبه‌های مهم زندگی که باید به آن توجه زیادی کرد، خودآرایی است که نقش ارزنده‌ای در ایجاد رابطه بین زن و شوهر ایفا می‌کند؛ چراکه این امر باعث محبت متقابل و احساس امنیت بیشتر و صمیمانه‌تر شدن روابط می‌شود (مه‌بادی راد و بچاری، ۱۳۷۷: ۷۰). درواقع یکی از حقوق شوهر بر زن این است که خود را برای او بیاراید. عامل اصلی سلامت کانون خانواده زن است (باباویان، ۱۳۸۶: ۹۹). با وجود این، اگر چه زینت برای زن‌ها لازم است، اما نباید یک مسئله عمده شود و همت، فکر و امکانات او را به خودش جلب کند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۷/۱۱/۸).

زن نباید ملعبه دست این‌وآن شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۸/۲۲)؛ زیرا برخی جلوه‌گری افراطی زنان را از شیوه‌های انحرافی ارضای جنسی می‌شمارند (متقی فر، ۱۳۸۸: ۲۱۶-۲۱۷). همچنین اشتغال مفرط زن به خودآرایی و تبرج، می‌تواند عاملی در ایجاد اختلالات روانی در او شود (جوکار، ۱۳۹۲: ۸۱).

با بروز تبرج، زن دیگر انسانی نیست که امانت‌دار الهی است؛ بلکه او فقط تن است و ارزش او به تن اوست (حداد عادل، ۱۳۷۰: ۱۱). امام حسن (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که لباسی بپوشد که او را انگشت‌نما کند خداوند در روز قیامت لباسی از آتش بر او خواهد پوشاند» (طبرسی، ۱۳۷۴: ۳۰۲/۱).

مفاهیم مقابل تبرج «حیا و عفت» و عبارت است از گرفتگی نفس از زشتی‌ها. امام صادق (ع) می‌فرماید: «حیا بخشی از ایمان است» (کلینی، ۱۳۶۹: ۱۶۵/۳). پس در مقابل تبرج که صفت مذمومی است، عفاف نیرویی درونی است که انسان‌ها در خود تقویت می‌کنند تا در مقابل عواملی که آن‌ها را به‌سوی افراط در ارضای

گزینه‌های مختلف می‌کشانند، هرچه بیشتر خویشتن‌داری کنند. قرآن یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن را عفت می‌داند (مؤمنون/۵). پس همان‌گونه که تبرج انواع مختلفی دارد، عفت نیز شامل عفت در نگاه (نور/ ۳۰ و ۳۱)، عفت در پوشش (نور/ ۳۱ و ۶۰) و عفت در بیان (احزاب/ ۳۲) می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۸: ۲۷۳-۲۷۴). در این میان، علاج اسلام در مورد هیجانات جنسی، مرز گذاشتن بین زن و مرد است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۱۲/۴) و برای پیشگیری از انحرافات جنسی و پیامدهای آن، پوشش را برای مرد و زن لازم دانسته است؛ اما اینکه چرا مقدار پوشش زنان، باید بیش از مردان باشد پاسخ در خلقت زیبا و ظریف زن است و اینکه میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از این‌رو زن به طبیعت خود می‌خواهد مرد را دل‌باخته‌ی خویش کند (ثابت، ۱۳۸۷: ۲۴۰) به عبارت دیگر، زن مظهر جمال و مرد مظهر شیفتگی است، میل زن به خودآرایی هم از همین حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود و چون انحراف تبرج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است، دستور پوشش هم برای آنان مقرر شده است (مطهری، ۱۳۶۸: ۸۸).

امام خمینی (ره) با به کار بردن عباراتی نظیر بی‌عفت، فاسدالاخلاق، مثل یک شیء، ننگ‌جو، متاع، کالا، منحنط، فریبا، لعبت، فاسد، ملعبه دست اراذل، برای مجالس عیش و عشرت، عروسک و ... مسئله تبرج و بی‌عفتی زنان را مورد نکوهش قرار دادند (صلواتی، ۱۳۷۹: ۲۳۴).

به این ترتیب، زنان در سایه‌ی طهارت و عفت و احساس مسئولیت است که می‌توانند دوشادوش مردان و حتی جلوتر از آنان گام بردارند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۴/۲۳).

واژه «تبرج» در دو آیه از قرآن کریم بیان شده است: نخست، آیه ۳۳ سوره احزاب «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ» که زنان را از رفت‌وآمدها و معاشرت‌های غیرضروری و تبرج به‌صورت تبرج جاهلیت اولی نهی می‌کند. این آیه به موضوع تبرج به‌صورت کلی اشاره دارد، اما همین‌که به تبرجی مانند تبرج جاهلیت اشاره می‌کند، بیانگر نهی از تمام مظاهر تبرج است؛ چراکه تاریخ گواه بر رواج مظاهر مختلف تبرج اعم از تبرج در پوشش و رفتار در زمان جاهلیت است. اقتضای نخست نهی صریح قرآن در این آیه، حرمت است (موحدی محب،

۱۳۹۳: ۱۹۵). تبرج در این آیه، از مظاهر دوران جاهلیت نامبرده شده است که از عمده‌ترین مظاهر تمدن امروز غربی نیز هست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۳/۶).

ملاحظه مدارک اسلامی و تفسیر صحیح آیات نشان می‌دهد که این دستور، برای تمام بانوان مسلمان است. از نظر قرآن، پایگاه مبارزات زن محیط خانه است. از نظر اسلام آراستن خانه و تربیت کودک، اساسی‌ترین وظیفه زن است و اشتغال او به امور دیگر تا حدی است که وظیفه بزرگ او را تعطیل نکند؛ چنانکه پیغمبر فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (دستغیب شیرازی، ۱۳۹۹ ق: ۲۱۰-۲۱۱).

دوم، آیه ۶۰ سوره نور که بعد از تخفیف در پوشش به زنان سالخورده، بلافاصله نسبت به امر تبرج هشدار می‌دهد. در نتیجه تبرج از مطلق زن اعم از پیر و جوان، مورد منع و نهی شرع است؛ زیرا وقتی قرآن به زنان سالخورده‌ای که امید به ازدواج ندارند، تأکید به عدم آرایش و توصیه به عفت می‌کند، آیا می‌توان به دختران و زنان جوان با لباس‌های متبرج، اگرچه پوشیده هم باشد، اجازه خروج از منزل داد؟ (محمدی نیا، ۱۳۸۶: ۱۷).

در آیات دیگری نیز موضوع تبرج و انواع آن بدون اشاره به لفظ تبرج، قابل اصطیاد بوده که به شرح زیر است:

۱) تبرج در پوشش:

دو فراز از آیه ۳۱ سوره نور و همچنین آیه ۵۹ سوره احزاب، در مورد تبرج در پوشش، قابل استناد است. آیه ۳۱ سوره نور: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا: و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند. کلمه ابداء به معنی اظهار است و مراد از زینت زنان، مواضع زینت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۱۵/۱۱۱). خداوند متعال در این حکم، آنچه ظاهر است را استثنا می‌کند. در روایات آمده که مقصود از آنچه ظاهر است، صورت و دست‌ها از مج به پایین است (مطهری، ۱۳۶۷: ۴۹۱).

۱ - تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و اله، حسن ابن علی شعبه حرانی، جلد ۱، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳، چاپ دوم ص ۶۰.

زیور به زینت‌هایی گفته می‌شود که از بدن جدا باشد، ولی کلمه زینت هم این دسته و هم آرایش‌هایی را شامل می‌شود که به بدن متصل است؛ نظیر سرمه و خضاب و مفاد دستور، ممنوعیت آشکار کردن آرایش و زیور خود است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۴۵).

بخش دیگر این آیه می‌فرماید: «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ». خمر، جمع خمار است و خمار، جامه‌ای است که زن، سر خود را با آن می‌پيچد و زائد آن را به سینه‌اش آویزان می‌کند و جیوب، جمع جیب است و مراد از آن، گریبان و سینه است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق: ۱۵۶/۱۵). معنایش این است که به زنان دستور بده تا اطراف مقنعه‌ها را به گریبان و زیر چانه خود انداخته، آن را بپوشانند (مطهری، ۱۳۶۷: ۴۹۷). طبق این بخش از آیه، نحوه پوشش زنان نباید به‌گونه‌ای باشد که محاسن ذاتی و خلقی آن‌ها آشکار گردد (روحی برندق، خوانین‌زاده، سعیدی، ۱۳۹۲: ۱۲۵).

آیه ۵۹ سوره احزاب نیز مربوط به نهی از تبرج در پوشش است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ». معانی مختلفی برای «جلابیب» گفته شده است و قدر مشترک این معانی، پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از عبای زنانه کوچک‌تر است (محمدی نیا، ۱۳۸۶: ۱۵). منظور از نزدیک کردن جلابیب به خود، این است که زنان این لباس را به‌گونه‌ای به خود بپیچند که محاسن ذاتی و زینت‌هایشان، از نگاه دیگران پوشیده بماند. در ادامه آیه نیز علت را بیان می‌کند. در معنای نزدیک، این نحوه پوشش باعث می‌شود که زنان به اهل عفاف و صلاح شناخته شوند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶ / ۳۴۰).

بنابراین، آیه درصدد بیان این مطلب است که نحوه رفتار و پوشش زنان است که برای مردان، نحوه ارتباط و حدود آن را مشخص می‌سازد و پرهیز از رفتار متبرجانه، کوتاه کردن دست تعدی به حریم خصوصی است.

۲) تبرج در گفتار:

آیه ۳۲ سوره احزاب می‌فرماید: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ... پس در سخن گفتن خضوع نکنید و آهنگ صدا را فریبنده نسازید و در خانه‌های خود بنشینید و کرشمه و ناز

نکنید. خضوع در کلام به معنای آن است که در برابر مردان، آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل آن‌ها را دچار ریبه و خیال‌های شیطانی نموده، شهوتشان را برانگیزانند. قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا یعنی سخن معقول و مستقیم بگویید، سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را می‌پسندد. آن سخن که تنها مدلول خود را برساند، از هرگونه اشاره و فساد و ریبه‌آفرینی به دور باشد (مطهری، ۱۳۶۷: ۵۶۰).

این دستور مخصوص زنان پیامبر نیست و شامل همه زن‌ها می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۳۵). فراز فلَّا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ اشاره به کیفیت سخن و عبارت قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا اشاره به محتوای سخن دارد و هرگونه گفتار باطل، بیهوده، گناه‌آلود و مخالف حق را نفی کرده، بیانی را توصیه می‌کند که شرع و عقل می‌پسندد (مهدهوی کنی، ۱۳۸۸: ۱۶۸).

عدم خضوع در قول، یکی از الگوهای زن مسلمان است. علی‌رغم مذموم بودن تکبر برای انسان، این امر برای زنان در مقابل مردان نامحرم، امری پسندیده است. زن در حرف زدن با نامحرم نباید خضوع داشته باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۹/۲۵). همچنین نباید برخوردش با نامحرم خضوع‌آمیز باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۲/۱۵) تا مرد که جنس متجاوز و شروع‌کننده است، قدرت پیدا نکند. حالت تجاوزطلبی و افزون‌خواهی، ابزار مرد برای رفتن به سوی گناه است و ابزار زن، حالت وادادگی و خضوع و تواضع است. پس تکبر برای زن ممدوح است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۱۲/۱۳).

به این ترتیب، متانت در حرف زدن، در به کار بردن جملات و عدم ایجاد حالت خودمانی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۲۹)، از جمله مواردی است که باید در تعامل با مردان نامحرم رعایت شود. درواقع این آیه به زنان دو دستور می‌دهد: اینکه هم خوب حرف بزنید و هم حرف خوب بزنید تا مردانی که قلبشان مریض است طمع نکنند. این مرض در قلب مرد است. زن از سلامت دل برخوردار است، مگر اینکه بیماری تبرج در او پدید آید (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۰۰).

۳) تبرج در رفتار

فراز پایانی آیه ۳۱ سوره نور به تبرج در رفتار اشاره دارد: «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ»؛ و از هرگونه رفتار متبرجانه که موجب آشکار شدن

زینت‌هایشان و به تبع آن جلب توجه نامحرم می‌شود نهی می‌کند. این نوع تبرج، طیفی از رفتارها را شامل می‌شود که نمی‌توان به تک‌تک آن‌ها پرداخت، اما طبق عناصر ذکرشده برای تبرج، می‌توان رفتارهای مختلف را از نظر متبرجانه بودن یا نبودن، تشخیص داد.

از مصادیق حضور اجتماعی زنان می‌توان به ورزش بانوان اشاره کرد که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید فراوان بر اهتمام بانوان به این امر و تجلیل از بانوانی که با پوشش اسلامی در میدانی ورزشی حاضر می‌شوند، الزاماتی برای آن قائل هستند. از نظر ایشان، محیط ورزش باید به گونه‌ای باشد که حدود اسلامی در آن دقیقاً رعایت شود. در ورزش بانوان، تبرج و خودنمایی زن ممنوع است؛ چراکه اگر جامعه به محیطی برای خودنمایی زن تبدیل شود، امور جدی جامعه نظیر سلامت و عفاف و عصمت جوانان ضربه می‌خورد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۸).

ایشان همچنین ترویج دوچرخه‌سواری بانوان در خیابان را مصداق تبرج می‌دانند و معتقدند این امر کار مناسبی نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۰/۸). حضور بانوان در تلویزیون مصداق دیگری است که ایشان در سخنانی، برخورد خودمانی زن و مرد در صداوسیما (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵) و استفاده از چهره و صورت زنان در شکل‌های جاذبه‌دار که مورد استقبال مردان قرار گیرد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۷/۱۸) را نکوهش کرده‌اند.

بنابراین، تبرج منحصر به پوشش نیست و مظاهر دیگری همچون تبرج در رفتار و گفتار را هم در بر می‌گیرد و طبق آموزه‌های اسلامی، همه مظاهر آن (به جز تبرج ممدوح نسبت به همسر و به صورت معقول آن، در میان محارم)، مورد منع و نهی شرع مقدس است، زیرا تبرج آثار سوء فراوانی دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

فلسفه تحریم تبرج

از دیدگاه اسلام، اجتماع بزرگ، محیط کار و عمل و فعالیت است و باید از هر نوع کامیابی جنسی در آن خودداری شود. فلسفه تحریم نظربازی و تمتعات جنسی از غیرهمسر قانونی و هم فلسفه حرمت خودآرایی و تبرج زن برای بیگانه همین است (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۴). در اسلام تبرج ممنوع است. تبرج، نوعی فتنه است و مشکلات عدیده‌ای ایجاد می‌کند و اشکالش فقط در به گناه افتادن مرد و زن نیست؛ دنباله‌اش

به خانواده می‌رسد و با از بین رفتن جذابیت و عشق، خانواده متزلزل می‌شود. در واقع، حریم‌داری و عفاف برای ماندگار شدن بنای محکم خانواده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۱۱) و خودنمایی و جلوه‌فروشی، یک لحظه، اما آثار سوء آن ماندگار است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۲/۲۳) همچنین آثار روحی فراوانی بر زنان دارد.

در کنار تزلزل بنیان خانواده، مخدوش شدن حجاب، مقدمه برداشتن عفت و پایمال شدن عفت، عامل تخدیر جوانان (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹) خواهد بود. دریدن پرده عفاف، در درجه اول، خیانت به زن است و در درجه بعد، خیانت به بشریت؛ چراکه سرگرم کردن زن به تبرج، مانع حرکت او به سمت کمال معنوی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۴/۱۳). این موضوع در سرنوشت بشریت و تمدن‌ها و حرکتی که یک جامعه به آن اشتغال دارد نیز مؤثر خواهد بود (خامنه‌ای، بیانات، ۷۸/۸/۷).

تبرج همچنین، دارای تبعات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. از دیدگاه اقتصادی، تبرج، دستگاهی برای مصرف مصنوعات پر زرق و برق اروپایی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۴/۱۱/۱) که مصرف‌گرایی ناشی از الگوهای زن اروپایی، سودهای کلان کمپانی‌های غربی را به همراه خواهد داشت. در این مورد، به فرموده امام خمینی (ره)، ملعبه‌ها و آرایش‌هایی که در رژیم سابق معمول بود، نمونه‌ای از ضربه اقتصادی و ضربه به عفت عمومی است.

از جنبه فرهنگی، ویران کردن بنیادهای اخلاقی، برهم زدن نظام خانواده و سرگرم کردن نسل جوان به جاذبه جنسی، از آثار سوء شیوع تبرج است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۷/۱۸).

در نهایت از نظر سیاسی، بزرگ‌ترین ضایعه‌ای که عدم رعایت الزامات اسلامی در این رابطه، به وجود می‌آورد، قطع پیوند خانوادگی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۵/۷/۱۸) و ایجاد فتنه جنسی (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۴/۸/۱۶) است. این موضوع از برنامه‌های استکبار جهانی است؛ چراکه کشاندن زن به سمت بی‌بندوباری، برای استکبار، دو فایده دارد: ۱) نسل زن را از آمادگی برای یک مقابله و تحرک جدی در مسائل اساسی زندگی بازمی‌دارد؛ ۲) مردان را با به میدان آوردن زن، از اثر می‌اندازد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۲/۱۲).

نتیجه‌گیری

- ۱) طبق آموزه‌های اسلامی، اصل معاشرت زن و مرد و حضور اجتماعی زن، مطلقاً ممنوع نیست، بلکه محدود به حدودی است.
- ۲) الزامات حضور اجتماعی زن را طبق آراء حضرت امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای که صحیفه انقلاب اسلامی است، می‌توان به دو دسته کلی اولویت و تقدم نقش زن در خانواده و مراعات حریم جنسیتی تقسیم کرد.
- ۳) الزام محوریت خانواده، بیانگر این اصل است که حضور اجتماعی زن، نباید مزاحم یا رقیب نقش حیاتی همسری و مادری او در خانواده باشد؛ مگر در شرایط استثنایی که نظام به حضور او به‌عنوان یک تکلیف و ضرورت، نیاز حیاتی داشته باشد.
- ۴) الزام مراعات حریم جنسیتی، شامل تقید زن به مفاهیمی چون حجاب، عفت و عدم تبرج است تا او بتواند حضور اجتماعی مؤثر و صحیحی داشته باشد.
- ۵) طبق آیات صریح قرآن کریم، تمام مظاهر تبرج اعم از تبرج در گفتار، رفتار و پوشش ممنوع است و فلسفه تحریم آن، در کنار تبعات زیان‌بار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این مقوله، در تأثیر سوء آن در مسیر حرکت جامعه و آسیب به سعادت بشریت و نسل‌ها است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

- بعد از انجام مطالعات و نگارش پژوهش حاضر، پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی، قابل طرح است که عبارت‌اند از:
- ۱) با توجه به اینکه در پژوهش حاضر، الزامات مربوط به مراعات حریم جنسیتی حضور اجتماعی زنان مورد بررسی قرار گرفت، بررسی دسته اول الزامات که اولویت و تقدم نقش زن در خانواده است و بیان شرایط عدول از آن، می‌تواند موضوع اثر پژوهشی دیگری باشد.

(۲) در بررسی مواضع حضرت امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درباره حضور اجتماعی زنان، در طول زعامت ایشان، مواردی به چشم می‌خورد که در دو زمان مختلف، مواضع متفاوت در موضوعی خاص اتخاذ شده است (نظیر شرکت زنان در انتخابات در قبل و بعد از انقلاب اسلامی و یا تغییر حکم رانندگی بانوان قبل و بعد از انقلاب) که در متن پژوهش حاضر به برخی از آنها اشاره شد. بررسی این تغییر مواضع و مطالعه بستر تاریخی و تبیین عدم تناقض واقعی آنها، علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری، نیازمند پژوهشی دیگر است.

(۳) مطالعه جامع نظرات امامین انقلاب اسلامی به روش تحلیل گفتمان، باید در پژوهشی درخور، مطمح نظر قرار گیرد تا مشخص شود، در هر مقطعی از تاریخ انقلاب اسلامی، متناسب با شرایط و نیازهای روز، دغدغه‌های ایشان در حوزه حضور اجتماعی زنان، مربوط به چه مواردی بوده و در آن بازه زمانی خاص، به چه مواردی تکیه بیشتری شده است.

منابع

قرآن کریم.

- نهج الفصاحه (۱۳۸۲). گردآورنده: پاینده، ابوالقاسم. جلد ۱. تهران: نشر دنیای دانش.
- ابتکار، معصومه (۱۳۷۹). زن مسلمان و عنصر زمان و مکان. تأملی بر جایگاه زن (۲۳-۳۲).
- جلد ۱. تهران: کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- اردبیلی، سید جعفر (۱۳۷۹). امام، زن و رهایی از دو رویکرد. تأملی بر جایگاه زن (۴۱-۴۸).
- جلد ۱. تهران: کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۳). همسررداری. قم: بوستان کتاب.
- باباویان، حسن (۱۳۸۶). آیین ازدواج و تشکیل خانواده. قم: نسیم حیات.
- بروجردی، اشرف (۱۳۷۹). بازخوانی سیاسی و اجتماعی زنان در اندیشه و سیره امام خمینی (ره). تأملی بر جایگاه زن، (۷۳-۹۰)، جلد ۱، چاپ اول. تهران: کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- بروجردی، لیلی (۱۳۷۷). حقوق و تکلیف زن و شوهر از دیدگاه امام خمینی. مجموعه مقالات سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی. تهران: نشر عروج.
- پروین، سلینا (۱۳۷۹). دیدگاه‌های امام خمینی در مورد جایگاه زنان. تأملی بر جایگاه زن (۱۴۵-۱۷۴). جلد (۲). تهران: کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- ثابت، حافظ (۱۳۷۸). تربیت جنسی در اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). زن در آینه جمال و جلال. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوکار، محبوبه (۱۳۹۲). الگوی تقویت حیا در سبک زندگی اسلامی. معرفت، ۲۲ (۱۸۶)، ۷۱-۸۶.
- حداد عادل، غلام‌علی (۱۳۷۰). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: سروش.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۵). منظومه فکری امام خمینی (ره). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. تحریرالوسیله (۱۳۷۰ - ۱۳۶۷). ترجمه تحریرالوسیله، جلد ۴. مترجم: محمدباقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). جایگاه زن در اندیشه امام خمینی. تهران: مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی (ره).

- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین (۱۳۹۹ ق). گناهان کبیره، جلد ۱. تهران: انتشارات جهان. روحی برندق، کاوس و خوانین زاده، محمدحسین و سعیدی، فاطمه السادات (۱۳۹۳). مفهوم و گستره تبرج زنان در تفسیر قرآن. *فصلنامه مطالعات تفسیری*، ۵ (۱۷)، ۱۱۳-۱۲۸.
- روحی برندق، کاوس و خوانین زاده، محمدحسین و سعیدی، فاطمه السادات (۱۳۹۲). ممنوعیت تبرج زنان از منظر قرآن کریم. *پژوهشنامه معارف قرآنی*، ۳ (۱۳)، ۱۲۱-۱۲۹.
- زیبایی نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۱). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: دارالنور.
- سبزیان، علی اکبر (۱۳۹۵). زندگی به سبک روح الله. تهران: با مشارکت سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سفیری، خدیجه و موسوی، مرضیه و شجاعی، زهرا (۱۳۷۳). حقوق زن در جوامع اسلامی. *فصلنامه فرهنگی، هنری، سیاسی، اجتماعی حضور*، ۲ (۹)، ۳۳-۶۷. نشر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شعبان پور، محمد و بشارتی، زهرا (۱۳۹۴). مؤلفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، ۶ (۱۹)، ۱۱-۲۸.
- شفیعی سروستانی، ابراهیم (۱۳۸۱). جریان‌شناسی دفاع از حقوق زنان در ایران. قم: کتاب طه. صلواتی، فضل‌الله (۱۳۷۹). نقش زنان در دفاع از مملکت و انقلاب اسلامی از دیدگاه و سیره عملی حضرت امام خمینی (ره). تأملی بر جایگاه زن (۲۲۳-۲۴۲)، جلد ۱. تهران: کمیته تبلیغات و انتشارات ستاد برگزاری یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم: محمدباقر موسوی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). زن در قرآن. تصحیح و تحقیق محمد مرادی. قم: مرکز نشر هاجر.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، حسن (۱۳۷۴). مشکاة الانوار، عزیزالله عطاردی قوچانی، جلد ۱. تهران: نشر عطارد.
- عاملی، شیخ حر (۱۳۸۹). آداب معاشرت از دیدگاه معصومین. مترجمان: محمدعلی فارابی و یعقوب عباسی علی کمر. مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- کریمیان صیقلانی، علی (۱۳۹۲). مبانی اخلاق جنسی در اسلام. رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۳۶۹). اصول کافی. مترجم: سید جواد مصطفوی. جلد ۳. تهران: نشر کتاب‌فروشی علمیه اسلامی.

- متقی‌فر، غلامرضا (۱۳۸۸). درآمدی بر نظام اخلاق جنسی در اسلام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره).
- محمدی اشتهدادی، محمد (۱۳۸۷). نگاهی بر زندگی حضرت فاطمه (س). تهران: نشر مطهر.
- محمدی‌نیا، اسدالله (۱۳۸۶). فلسفه چادر حجاب برتر. قم: نشر سبط اکبر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب. تهران: انتشارات صدرا.
- موحدی محب، عبدالله (۱۳۹۳). حکم تبرج در آموزه‌های تقلین. پژوهشنامه تقلین، ۱ (۲)، ۱۹۱-۲۰۶.
- مه‌بادی راد، ناهید و بچاری، سمیر (۱۳۷۷). روان‌شناسی ازدواج یا تشکیل خانواده. تهران: انتشارات حافظ.
- مهدوی کنی، صدیقه (۱۳۸۸). ساختار گزاره‌های اخلاقی قرآن. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۶) حضرت امام خمینی (قدس سره) از دیدگاه رهبری. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
- وحیدی، محمد (۱۳۸۹). احکام بانوان (مطابق با فتاویٰ حضرات آیات عظام امام خمینی، خوئی، گلپایگانی، اراکی، فاضل لنکرانی، سیستانی و مکارم شیرازی). قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب، www.khamenei.ir
- پرتال امام خمینی، www.imam-khomeini.ir